

انس

ماهنامه تخصصی هنر عکاسی

سال اول، شماره دوم، فروردین ۱۴۰۲



Anselmagazine



06 04 2023 01 02

مطالب این شماره

دیباچه نوری ۲

عکس گروهی - دختران تاریخ ساز ایران ۳ سخن سردبیر ۴

عکاسان بزرگ جهان - استیو مک کری ۵ یک کارتون ۷

آموزه هایی از استیو مک کری از زبان خودش ۸

دومین گزارش تصویری اختصاصی انسل از رویداد عکاسی اکسپوژر ۲۰۲۳ ۱۲

تکنیک های قاب بندی - قاب در قاب ۱۷ مصاحبه اختصاصی هنری - هادی محسنی ۱۸

تاثیرگذار ترین آثار در تاریخ عکاسی جهان ۲۱

نقد و بررسی یک عکس به قلم عباس عربزاده ۲۲ نکات عکاسی - جبران نوردهی ۲۴

مقاله: عکاسی میراث فرهنگی و توسعه گردشگری ۲۵

معرفی ابزار جانبی عکاسی - ریموت شاتر تایمردار ۳۰

مرور عکس های قدیمی ۳۱

عکس های ارسالی مخاطبان ۳۴

فراخوان مقاله ۳۵

داستان یک عکس ۳۶

اشتراک ماهنامه ۳۷



www.anselmagazine.com

سردبیر: رضا تجویدی با تشکر از هنرمندان گرامی: جمال رحمتی، بهزاد دورانی، مریم زندی
عکس روی جلد: هادی محسنی - چشم ها عکس پشت جلد: رضا تجویدی - سیرکی از مونته نگرو
همکاران این شماره: بهاره گلفر، مهدی همت پور، هادی محسنی، Mrs. Grace Huang

Contacts: info@anselmagazine.com / @anselmagazine

هرگونه استفاده از محتوا و مطالب این نشریه بدون کسب اجازه و ذکر منبع مطلقاً ممنوع است.

برآمد باد صبح و بوی نوروز
به کام دوستان و بخت پیروز
مبارک بادت این سال و همه سال
همایون بادت این روز و همه روز

استاد سخن سعدی

باز بهاری دیگر از راه رسید و نوروزی روح افزا را در شیپورش دمید. بوی بهار، حس و حالی درونمان پدید آورد سرشار از نو شدن ها و روییدن ها، تا باز شعف آفرینش درونمان بخروشد.

سالی که گذشت، سال تحول های عمیق بود. جامعه ایران در مسیری بی بازگشت به جلو گامی برداشت؛ هر چند که حالا، نه در یاس فرو رفته است و نه چشم انتظار و غرق در امید باقی مانده. انگار که زمان همه چیز، حال حاضر است و زندگی در هر روز برای همان لحظه جاری شده است. در چنین شرایطی نوروز از راه رسیده و انرژی کائناتی خود را در دلها دمیده است. این را در صحبت با دوستان عکاسی که هر یک به نوعی در تکاپوی روزهای آخر سال بوده اند، حس کرده ایم. هنرمندان در جهان حتی در سخت ترین برهه های تاریخی همچون جنگ جهانی دوم، دست از کار و تکاپو نکشیده اند، بلکه متناسب با مفاهیم و رویدادهای زمانه، جنبش های فکری-هنری و در پی آن سبک ها و فرم های نو (چون اکسپرسیونیسم انتزاعی در سال ۱۹۴۰ میلادی در ورای جنگ) در هنر آفریده اند. شاید امروز زمانی است که جامعه عکاسی ایران می تواند خود را بیش از هر وقت دیگر، برای پیش رو بودن در جهان هنر آماده ببیند. برای مثال کنتراست میان سنت و مدرنیته و یا فضای حاکم در جامعه در جریان تحولات بزرگ تاریخی، همیشه توانسته اند آبدستن زایش پدیده هایی نو باشند. قطعاً این پیش رو بودن نه لزوماً در تکنیک، بلکه در پایه های نظری هنر خواهد بود.

سال نو را، پر از مبارکی و اتفاقات خوب و مثبت همراه با موفقیت های بزرگ و درخشان، برای همه عکاسان ایرانی، افغانستانی و تاجیک آرزو می کنیم.

نوروز ۱۴۰۲ خورشیدی

عکس: نقش کماندار ایرانی بر آجرهایی با لعاب رنگی، از بنای کاخ آپادانا، شوش، ۵۱۰ پیش از میلاد - در موزه لوور ابوظبی

عکس: رضا تجویدی

@Anselmagazine



عکس گروهی - دختران تاریخ ساز ایران

سال ۱۳۰۷، اولین گروه دختران ایرانی از مدرسه تازه تاسیس ویژه دختران، با اتمام تحصیل در مقاطع بالا، مدرک دیپلم خود را گرفتند؛ توران آزموده، فخرعظمی ارغنون، بی‌بی‌خانم خلوتی، گیلان خانم، فرخنده خانم و مهرانور سمیعی اعضای این گروه بودند.

مدرسه دخترانه ناموس به همت طوبا آزموده از مقدم ترین زنان در جنبش های زنانه در ایران در سال ۱۲۸۶ خورشیدی تاسیس شد. او که خود با معلم خصوصی و در کنج خانه تحصیل کرده بود و علاوه بر فارسی، به زبان های فرانسه و عربی هم مسلط بود، در کسوت یک معلم، در حالی این مدرسه دخترانه را در گوشه ای از محوطه خانه خود در محله سنگلج تهران بازگشایی کرد که هنوز جامعه سنتی ایران حتی سالها پس از مشروطه، تحصیل دختران را بر نتافته بود و مدارس دخترانه باز نشده، تعطیل می شدند. آزموده با شناخت حساسیت های آن زمان جامعه ایران، به کمک شاگردانش، دیوارهای مدرسه را با متون دینی و مذهبی مزین کرد، در کنار دروس علمی، کلاس های آموزش قرآن و مفاد دینی برای دانش آموزان برپا نمود و مبلغان مذهبی را در امور مدرسه مشارکت داد و بدین سان توانست مانع از تعطیلی مدرسه شود تا در نهایت در سال ۱۳۰۷ خورشیدی، اولین گروه از دختران ایرانی برای اولین بار در داخل کشور با اخذ مدرک دیپلم فارغ التحصیل شدند. این دختران، سد های بزرگی را شکسته بودند و در ادامه هر یک از آنها، مسبب خدمات فرهنگی و اجتماعی بسیاری برای ایران و خصوصا جامعه زنان شدند.



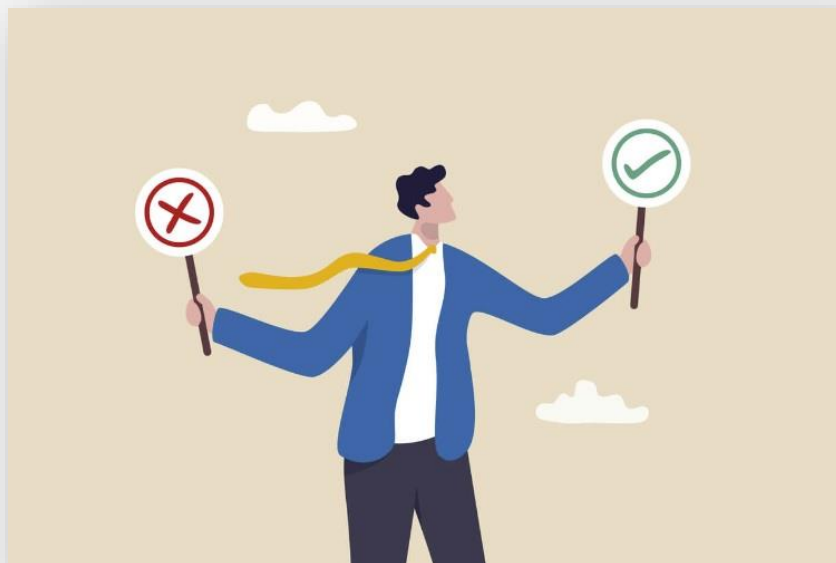
اخلاق، اسمی جمع به معنی مجموعه ای از خلق های انسانی است که برای آن، معیار خوب و بد وجود دارد. در حالتی که رفتار و عملکرد انسان به شکلی ناآگاهانه و بی اختیار بارز شود، خو و زمانی که آگاهانه یا در قالب یک عادت تبلور پیدا کند، خلق خوانده می شود.

هنرمندان در همه جوامع به عنوان طبقه ای نخبه شناخته شده و لزوم رعایت اصول اخلاقی، چه اخلاق عمومی و چه اخلاق هنری، نزد آنها بسیار با اهمیت تر جلوه می کند، چرا که علاوه بر جایگاه و نقش آنها به عنوان الگو در جامعه، خود نیز

برای انتقال احساس و مفهوم در اثر هنری، نیاز به تراوش های درونی دارند که در ترازوی معیارهای اخلاقی، برداشتی مثبت از آنها وجود داشته باشد.

هر چند که در باطن، عکاسان ایرانی همواره در زمره شاخص ترین و مسؤولیت پذیرترین هنرمندان جامعه قرار داشته و در عمل نیز هزینه های زیادی از جمله از روی مین رفتن و از دست دادن جان تا بازداشت و زندان را در این راه متحمل شده اند؛ ولی در ظاهر، جامعه عکاسی ایران به تدریج در دام نوعی رقابت منفی گرفتار مانده است. بعد منفی این پدیده، نگاه مخرب به موفقیت دیگران، فقدان تعامل و نیز خساست به خرج دادن در انتقال تجارب و دست آوردها به دیگران است؛ در حالیکه روحیه همکاری در جوامعی که در هنر عکاسی پیشرو بوده اند نسبت به ابعاد منفی ذکر شده، همواره دست بالا را داشته است.

خوشبختانه جامعه ایران در سالهای اخیر در حال پوست اندازی و تحول اساسی در بنیادهای فکر و نظری خود و نیز تجدید نظر در رویکردهای غیر سازنده گذشته بوده است. این دیدگاه و بینش تحول خواهانه، دیر یا زود به جامعه عکاسی در ایران نیز سرایت خواهد کرد و در نتیجه، هنرمندان و فعالین حوزه عکاسی به پتانسیل موجود در همکاری برای شکل دهی و جریان سازی جنبش های نظری نو در هنر عکاسی پی خواهند برد؛ اهمیت دستاوردهای خود و دیگران در رویدادهای جهانی را درک می کنند و تاثیر آن در انگیزش و ارتقاء عمومی را عاملی برای پیشرفت همگانی خواهند یافت و در نهایت راز موفقیت را نه صرفا در جنبه های فردی بلکه در تعامل سازنده با یکدیگر خواهند دید. پر واضح است که بطور طبیعی نگاه تجاری و منفعت طلبانه به مقوله عکاسی با ماهیتی رقابتی همراه است که تا حد زیادی تعامل و همکاری را از حیطه معنی می اندازد؛ ولی مخاطب سخن من در این مقدمه این گروه از افراد نیستند، بلکه عکاسانی هستند که جنبه های هنری عکاسی، همواره دغدغه اصلی و اولویت آنها بوده است.



استیو مک کری

از او به عنوان مشهورترین عکاس معاصر جهان که در قید حیات است نام برده می شود. مرور زندگی او، خود حاوی آموزه های بزرگی برای علاقه مندان به رشته عکاسی است.

استیو مک کری، عکاسی که در عکس هایش

روحي عظيم دمیده شده است.



استیو متولد سال ۱۹۵۰ در فیلادلفیای آمریکا است. از همان ابتدا به مستند نگاری علاقه ای ذاتی داشت و برای همین تحصیلات آکادمیک خود را در رشته تاریخ هنر و سینما در دانشگاه پنسیلوانیا آغاز نمود. در اصل قصد داشت یک مستندساز شود ولی کار نیمه وقت عکاسی در دانشگاه و بعدش استخدام در یک نشریه محلی در کینگ او پراشا به عنوان عکاس او را مجذوب هنر عکاسی کرد. طی دو سالی که برای نشریه محلی از رویدادهای منطقه ای و مسابقات ورزشی در فرم سیاه و سفید عکاسی می کرد به این نتیجه رسید که برای گام برداشتن در مسیر موفقیت و حرفه ای شدن در عکاسی، نیاز به تغییراتی در شیوه کار خود دارد. یکی از این تغییرات، عکاسی رنگی به جای سیاه و سفید بود؛ چرا که هدف او عکاسی برای رسانه ها و نشریات بود و

قطعا عکس رنگی جذابیت بیشتری برای چنین بازاری داشت. تغییر دوم، سفر کردن با هدف دسترسی به سوژه های بکرتری بود. مک کری عکاسی را با علاقه دیگر خود که جهانگردی بود ترکیب کرد و پیش از سی سالگی، در سالهای پایانی دهه ۷۰، دست به سفری خارق العاده زد. او ابتدا چند ماه را در هند ماند و عکاسی کرد و بعد از آنجا به مناطق شمالی پاکستان رفت و برای مدتی هم با عبور غیرقانونی از مرز، وارد خاک افغانستان شد که در آن زمان به شدت درگیر جنگ با ارتش سرخ شوروی بود. در این مقطع است که برگ بزرگی از زندگی حرفه ای استیو مک کری ورق می خورد. نگاتیوهایی که با پنهان کردن در جوراب و دستار محلش به سلامت به آن سوی مرز می رسند، تبدیل به عکس هایی می شوند که در معتبرترین مطبوعات خبری جهان همچون تایم و نیویورک تایمز منتشر می شوند و عکس او از دختر ۱۲ ساله افغانستانی که در اردوگاه آورگان در مناطق شمالی پاکستان گرفته است، شهرتی نمادین و جهانی پیدا می کند تا حدی که به آن لقب مونالیزای جهان سوم می دهند. این عکس بر روی جلد اغلب نشریات معتبر جهان نقش بست و دستاوردهای این سفر موفقیت آمیز، سبب آغاز همکاری حرفه ای استیو مک کری با موسسه نشنال جئوگرافیک و آژانس عکس مگنوم شد.

جنگ ایران و عراق، جنگ داخلی لبنان و حوادث بیروت، درگیری ها در کامبوج، فیلیپین و نیز جنگ موسوم به خلیج فارس از جمله موضوعات عکاسی خبری او بوده اند. استیو در سال ۲۰۰۲ تصمیم گرفت تا به جستجوی موناویزای جهان سوم برود و موفق شد او را در افغانستان پیدا کند. حالا او زنی میانسال با همسر و چند فرزند بود و سختی روزگار طراوت را از چهره اش گرفته بود.

استیو مک کاری این روزها نه به عنوان عکاس خبری بلکه برای ثبت علایق شخصیش در حوزه فرهنگ و سنت های بومی مردم جهان، هنوز به سفر کردن ادامه می دهد و سرگرم کار بر روی مجموعه عکس های خود در قالب کتاب هایی متعدد است.





اثری از جمال رحمتی



او فارغ التحصیل رشته گرافیک از دانشکده هنرهای زیبا در دانشگاه تهران در مقطع کارشناسی و رشته انیمیشن در مقطع کارشناسی ارشد از دانشکده سینما و تئاتر دانشگاه هنر است و برای سالها در کسوت استادی در دانشگاه سوره به فرهنگ و هنر ایران خدمت کرده است. از جمال رحمتی می توان به عنوان یک کارتون‌بست ایرانی در کلاس جهانی یاد کرد.

نکاتی از زندگی حرفه ای استیو مک کری از زبان خودش در خلال گفتگو در رویداد عکس اکسپوژر:

شما وقتی به چیزی واقعا علاقه داشته باشید و واردش شوید، ساعت به ساعت، روز به روز، ماه به ماه و سال به سال بیشتر درباره آن می آموزید و همین شما را در آن کار توانمند و در نتیجه موفق خواهد کرد.

استیو مک کری

خانه مادر بزرگ

در سن کودکی زیاد خانه مادر بزرگم می رفتم و او اهل کتاب و مجله بود. ۱۲ ساله بودم که مجذوب یکی از مجله هایی شدم که میان تلنباری از نشریات، گوشه ای از اتاقش افتاده بود. در آن مجله مجموعه عکس هایی از برابان بریک عکاس نیوزلندی وجود داشت که برای مدت زیادی سرگرم کرد. با دیدن عکس ها، با خودم فکر کردم که چقدر سفر کردن و دیدن شگفتی های دنیا از نزدیک می تواند جذاب باشد.

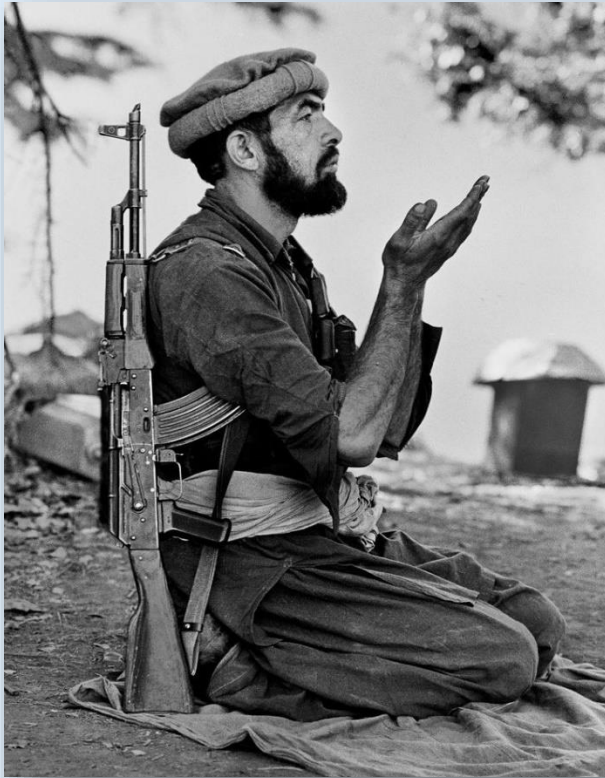
دانشگاه

در اصل به دانشگاه رفتم تا در رشته سینما تحصیل کنم و یک مستند ساز شوم ولی خیلی زود متوجه شدم که فیلم سازی کار آسانی نیست! کلی تجهیزات می خواهد، باید تیم کاری جف و جور کنی و سیر تا پیاز کاری را که می خواهی انجام دهی از قبل توی چیزی به اسم فیلمنامه بگنجانی. در میان واحدهایی که باید می گذارندم، درسی وجود داشت به اسم فاین آرت که زمینه ساز آشنایی و علاقه من به هنر عکاسی شد. حس کردم عکاسی با شخصیت و درونیات و علایق من همخوان تر است تا فیلم سازی.

اولین تجربه سفر طول و دراز

در خلال سفرم به اروپا و بعد به اروپای شرقی تا ترکیه و تجربیاتی که در آن چند ماه بدست آوردم، به من ثابت کرد که سفر و ماجراجویی دقیقا همان چیزی است که به آن عشق می ورزم. خصوصا دیدن فرهنگ های گوناگون، غذاهایی متنوعی که مردم دنیا می خورند، آوازاها و موسیقی های محلی و حتی آن همه گوناگونی که در معماری وجود داشت، برایم جذاب بود.

ورود به افغانستان در حال جنگ



بعد از سفر به هندوستان، وارد منطقه هندوکش شدم و در شمال پاکستان تصمیم گرفتم برای مدتی در هتلی سکونت کنم. از روی اتفاق در اتاق مجاور، مردانی اهل افغانستان اقامت داشتند که وقتی فهمیدند من یک عکاس آمریکایی هستم، پیشنهاد کردند که بروم و از اتفاقاتی که در آن سوی مرز در افغانستان در حال رخ دادن بود، عکاسی کنم. راستش اصلا در مخیله ام هم نمی گنجید که روزی چنین خطری کنم و به آنجا بروم، برای همین در ابتدا به رفتن فکر نمی کردم ولی در طول ده روزی که در هتل بودم، هر روز این دوستان جدید افغانستانی را می دیدم و با هم گپ می زدیم. آنها بالاخره اعتماد من را برای رفتن به افغانستان جلب کردند و گفتند که به من کمک می کنند تا از مرز عبور کنم و مرا همراه خودشان به مناطقی خواهند برد که با آن کاملا آشنا هستند. همراهشان رفتم و سه هفته آنجا بودم تا اینکه در روز آخر مرا به ارتفاعات یک کوهستان در نقطه صفر مرزی رساندند و راهی را نشانم دادند و گفتند این مسیر را آنقدر برو تا به پاکستان برسی. من تک و تنها و

با پای پیاده شروع به حرکت در آن راه مرزی پرخطر کردم. اولین کاری که کردم این بود که حلقه های نگاتیو را توی آن لباس محلی که به تنم بود پنهان کنم. تعدادی را توی جوراب هایم گذاشتم و بخشی را توی دستاری که روی سرم بسته بودم جا دادم. حدس می زدم که شاید توی مسیر دستگیر شوم و دوربین و تجهیزاتم ضبط شود، پس باید بگونه ای عکس هایی که گرفته بودم را حفظ می کردم. بالاخره به پاکستان رسیدم و اول با انوبوس و بعد با قطار خودم را به دهلی در هند رساندم.

انتشار عکس ها و آغاز شهرت

در هند، عکس ها را به دست دوست یکی از دوستانم دادم و او آنها را با خود به آمریکا برد. عکس ها در ماه جون ۱۹۷۹ به آمریکا رسید و من با نشریات زیادی برای فروش آنها ارتباط برقرار کردم ولی هیچ استقبالی از آنها نمی شد تا اینکه در ماه سپتامبر همان سال، به ناگاه قضیه حضور شوروی در افغانستان به یک موضوع داغ جهانی بدل شد و همین سبب شد که مطبوعات متقاضی عکس هایی از من باشند که مربوط به وقایع افغانستان بودند. در آن زمان محدود عکاسی وجود داشت که این وقایع را از نزدیک عکاسی کرده باشد و از همین رو عکس های من بسیار نادر بودند. بالاخره در سال ۱۹۸۰ من به یک عکاس معروف بدل شده بودم و جوایز مهم بسیاری به عکس هایم تعلق گرفته بود؛ ولی هنوز دلمشغولی اصلی من عکاسی از فرهنگ ها و سنت های مردم و مسائلی همچون رابطه انسان با محیط زیست بود و نه عکاسی خبری و جنگ.

راهی که من رفته بودم

این همان راهی بود که می خواستم بروم برای همین هیچوقت در زندگی حرفه ایم از آنچه در پشت سرم رخ داده است، پشیمان نشدم و نخواستهم ام که برگردم و راه دیگری را انتخاب کنم. ولی اگر سوال می کنید که آیا من از همان ابتدا مطمئن بودم که روزی عکاس مشهوری خواهم شد باید جوابش را بگونه دیگری بدهم؛ من عکاسی را بخاطر شور و علاقه دورنیم انتخاب کردم، شما وقتی به چیزی واقعا علاقه داشته باشید و واردش شوید، ساعت به ساعت، روز به روز، ماه به ماه و سال به سال بیشتر درباره آن می آموزید و همین شما را در آن کار توانمند و موفق خواهد کرد. هر انسانی فقط یکبار متولد می شود و در طول دوره زندگیش شانس این را دارد که در آن کاری که عمیقا به آن علاقه مند است، موفق شود.

سفر و عکاسی در هندوستان

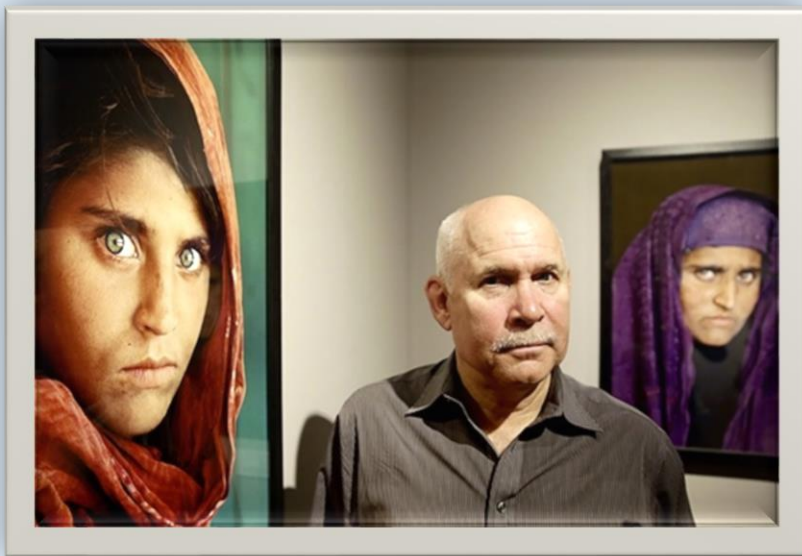


در هند، تنوع فرهنگی، ادیان مختلف و جامعه طبقاتی در گوناگون ترین شکل ممکن قابل مشاهده است و همین باعث شده که هند از نظر بصری بسیار غنی باشد. جالب تر این است که این مناظر نه در پستوی خانه ها بلکه در دل کوچه ها و خیابان ها در عیان ترین شکل خود در معرض دید هستند.

عکس های من در هند هیچکدام اتفاقی و بدون برنامه نبوده اند. ساعتها و روزهای بسیار سوار بر قطار بوده ام و فقط برای عکاسی کردن، سفر کرده ام. یکی از شیوه هایم این بود که هر وقت قطار در ایستگاهی توقف می کرد به سرعت از قطار پیاده می شدم و از آن فاصله می گرفتم و سپس، از منظره قطار در ایستگاه، پیاده و سوار شدن مسافرها، یا رفت و آمد دست فروش هایی که موقتا وارد قطار می شدند، عکاسی می کردم. این کار را شاید بیش از ۱۰۰ ها بار در ساعات مختلفی از شب و روز انجام دادم. توی دهلی، فقط ۵ روز را صرف عکاسی از منظره ایستگاه راه آهن و بنای تاج محل که از آنجا و در پس زمینه دیده می شد کردم. برنامه رسیدن قطارها را مرور می کردم، بعد کادربندی می کردم و منتظر وارد شدن قطار به درون کادرم می ماندم. گاهی قطارها برای مدت طولانی تاخیر داشتند. برای عکاسی توی محوطه ایستگاه قطار دهلی از اداره راه آهن تقاضای مجوز کرده بودم ولی تا زمانی که مجوز صادر شد من کار خودم را کرده بودم و عکس هایم را گرفته بودم. البته حالا عکس هایم برای آنها هم بسیار ارزشمند شده است چرا که من از کامیون ها و اتوبوس هایی عکاسی کرده ام که امروزه به کلی از رده خارج شده اند، حتی لوکوموتیوهای بخار که الان دیگر خبری از آنها نیست. همین به آثار من وجهی تاریخی نگارانه داده است و در اصل آنها دیگر مستندهایی تاریخی هستند.

برای گرفتن هر عکس از قبل برنامه ریزی می کنم و وقت زیادی را صرفش می کنم. مثلاً ساعت ها منتظر می مانم تا نور طبیعی به همان شدت و رنگی برسد که قصد دارم سوژه عکاسی متاثر از آن رنگ شود.

استیو مک کری



عکس معروف شربت گل، دختر افغانستانی

ماجرای این عکس این است که در اصل من وارد اردوگاه پناهجویهای افغانستانی در جنوب پیشاور در پاکستان شده بودم تا برای عکاسی در آنجا مجوز بگیرم. موقع نهار که باید محل را ترک می کردم توی مسیر متوجه سر و صدا و هم همه ای شدم که از داخل یکی از چادرها به گوش می رسید. از روی کنجکاوی به سراغ آن چادر رفتم و متوجه شدم که کلاس درس است و معلمی دارد به بچه ها درس می آموزد. همان وقت دوربین را بیرون آوردم و مشغول عکاسی شدم؛ این دختر افغانستانی هم همان روز در داخل همان چادر نشسته بود. سالها بعد که دوباره دیدمش قرار شد کمکش کنم تا در صورت امکان همراه خانواده اش به ایتالیا نزد آشناهایی که آنجا داشتند بروند.

هر انسانی فقط یکبار متولد می شود و در طول دوره زندگیش شانس این را دارد که در آن کاری که عمیقاً به آن علاقه مند است، موفق شود. استیو مک کری

تاثیر کاری که کرده ام.

من می خواهم مردم دنیا با دیدن عکس هایم به انسانیت بیشتر فکر کنند. متأسفانه دنیا پر از دیدگاه های منفی همچون نژاد پرستی و منفعت جویی شده است. ما می توانیم عکاسی کنیم و این مفهوم را به مردم جهان منتقل کنیم که ببینید ما در چه دنیای رنگارنگ و متنوعی زندگی می کنیم، پس آنچه واقعا به آن نیاز داریم گفتگو با یکدیگر است، نه جنگ و نزاع!

تهیه و تنظیم: رضا تجویدی

XPO SURE

دومین گزارش تصویری اختصاصی انسل از رویداد عکاسی اکسپوژر ۲۰۲۳

اکسپوژر یک رویداد بین المللی درجه یک در هنر عکاسی و یکی از بزرگ ترین اتفاقات سالانه در این حوزه است که در منطقه خاورمیانه و در شهر شارجه برگزار می شود. در این جشنواره هنری، علاوه بر نمایش صدها عکس و نیز فیلم از درخشان ترین و حرفه ای ترین عکاسان دنیا گرفته تا عکاسان و فیلم سازان نیمه حرفه ای و آماتوری که شانس پذیرش و حضور آثارشان در این رویداد هنری رخ داده است، به نمایش در می آید. سیاست این رویداد در استقبال از عکاسان جوان و ناشناخته و نمایش آثارشان در این نمایشگاه، فرصتی استثنایی برای فعالان در این عرصه هنری است تا با کسب تجربه و افتخاری بزرگ به جایگاهی دسترسی داشته باشند که توسط آن با جامعه عکاسی دنیا و نیز با مخاطبان و علاقمندان به این شاخه از هنرهای تجسمی ارتباط برقرار کنند.

سخنرانی ها و ارائه های حرفه ای، گپ و گفتگو و مرور زندگینامه هنری، پرسش و پاسخ های تخصصی، فرصت دیدار و تبادل نظر هنرمندان با هم، ارائه کارگاه های بسیار متنوع و حرفه ای عکاسی، ویژه برنامه ها، نمایش آخرین تجهیزات و دستاوردهای تکنولوژی و صنعتی در حوزه عکس و فیلم و بسیاری فعالیت های مرتبط دیگر، از برنامه های هر ساله در این جشنواره هستند.

البسا ایاناکونه

Elisa Iannacone

عکاس مکزیکی الاصل ساکن انگلستان نشسته در مقابل یکی از آثار به نمایش در آمده اش در نمایشگاه اکسپوژر ۲۰۲۳.

او با نشریات مختلفی چون نشنال جئوگرافیک و بنگاه بی بی سی همکاری رسانه ای داشته و پروژه های عکاسی او، خصوصا در بحث آسیب های اجتماعی، قربانیان تجاوز جنسی و آوارگان جنگی در آفریقا توجه بسیاری را به خود جلب کرده است. در خلال این نمایشگاه، گفتگویی نیز با او داشته ایم که در آینده منتشر خواهد شد.





بخشی از نمایشگاه به آثار
یک عمر پرتره نگار حرفه ای
گرگ گرمن اختصاص
داشت.

آلفرد هیچکاک، تیم کری،
باربارا استرای سند ۱۹۸۱،

@Anselmagazine



@Anselmagazine

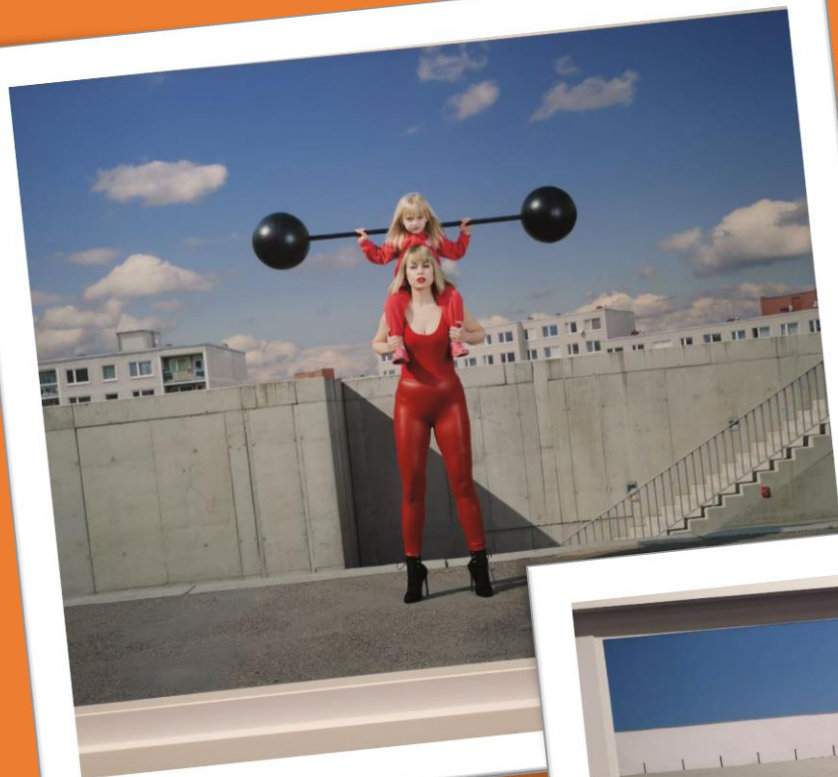


عکس کمتر دیده شده از مایکل جکسون که گرگ گرمن درباره آن چنین گفت: در یکی از پروژه های اختصاصی عکاسی برای مایکل جکسون، او روی زمین نشست، ژست گرفت و خواست که عکسی در این حالت از او بگیرم.

تعدادی از آثار به نمایش در آمده از بارا پراسیلوآ
عکاس اهل کشور چک در اکسپوژر ۲۰۲۳

بارا سبکی منحصر را در عکاسی دنبال می کند که به
سورئال و دنیای خیال نزدیک است. این سبک ترکیبی
از طنزی پوچ، نوعی زیبایی هشدار آمیز و کمال جویی
همیشگی در درون او است.

Bara Prasilova



دو اثر از آلبرت دروس عکاسی هلندی از مجموعه عکسی با عنوان "مناظر بکر در قرقیزستان"

ALBERT DROS



تکنیک های قاب بندی

قاب در قاب

اگر نحوه کادر بندی و ترکیب بندی جز اصول لاینفک عکاسی قلمداد می شوند ولی حالت قاب در قاب در عکس، تنها یک تکنیک شیرین است. در این تکنیک نیاز به عنصری درون کادر است که نقش یک قاب را ایفا کند تا سوژه اصلی درون آن دیده شود. توجه داشته باشید که لزوما این قاب نیاز نیست که در پیش زمینه باشد و برای مثال می توان از یک چهارچوب در پشت زمینه هم به عنوان قاب



عکس هادی محسنی

استفاده کرد. تاثیری که این تکنیک در عکس می گذارد، علاوه بر ایجاد زیبایی بصری، تمرکز دید را هم به سمت سوژه هدایت می کند. از طرفی دنباله عناصر پنهان شده در پشت قاب، می تواند عکس را چون یک پازل برای مخاطب جذاب تر کند.

این عکس، بازدیدکنندگان را در یکی از ورودی های مسجد آبی یا همان مسجد سلطان احمد در شهر استانبول نشان می دهد درحالیکه به داخل آن قدم می گذارند. این مسجد یکی از شاهکارهای معماری دوره عثمانی و از نمادهای مهم شهر استانبول به حساب می آید.

منبع: کتاب شرحی بر نور نگاره ها،

رضا تجویدی



زندگی و کار مهاجران افغانستانی از دریچه دوربین یک عکاس مستند نگار

گفتگو با هادی محسنی



هادی محسنی هنرمند افغانستانی-ایرانی متولد سال ۱۳۷۲ شمسی در شهر مشهد است. پدر و مادرش از آن دسته از اتباع اهل افغانستان بودند که در پی یورش ارتش اتحاد جماهیر شوروی و اشغال خاک افغانستان و با آغاز جنگ، مجبور به جلائی وطن و مهاجرت به ایران شدند. از همین رو، مقوله مهاجرت و مصائب و چالش های آن از همان دوران کودکی به دغدغه ای بزرگ برای هادی بدل شده است. بعدها در حین تحصیل در مقطع دبیرستان به طور نیمه وقت در یک عکاسخانه مشغول به کار شد و همین، زمینه ساز آشنایی و علاقه مندی او به هنر عکاسی شد. هادی، تمرین عکاسی را با یک دوربین آنالوگ شروع کرد ولی چندی بعد با تهیه یک دوربین دیجیتال به شکلی جدی تر، در عرصه هنر عکاسی گام برداشت. او به مرور علاقه به این هنر بصری را با دغدغه ذهنی خود که موضوع مهاجران افغانستانی بود، درهم آمیخت و از همان وقت، ژانر عکاسی مستند اجتماعی به گرایشی اصلی او بدل شد.

هادی محسنی اکنون فارغ التحصیل رشته معماری است و در عین حال به عنوان هنرمندی برجسته در حوزه عکاسی در ایران و افغانستان فعالیت می کند. ماهنامه انسل گفتگویی اختصاصی با او داشته که در ادامه می خوانید:

مردم افغانستان به واسطه زبان، فرهنگ و تاریخ مشترکی که با ایران دارند به هیچ وجه یک غریبه برای ایرانی ها محسوب نمی شوند و قطعا جامعه هنری و روشنفکری در ایران، افغانستانی های ساکن کشور را نه میهمان بلکه قسمتی از خود به حساب می آورد. شما متولد ایران هم بوده اید و تحصیلات تکمیلی در دانشگاه را به پایان رسانده و هنرمند موفقی نیز هستید؛ آیا رسیدن به این جایگاه برای شما به عنوان فرزند یک خانواده مهاجر، راه آسانی بوده است؟

دنبال کردن رشته هنری، فارغ از اینکه کجا باشید، غالبا کار سختی است. حالا اگر آن رشته عکاسی هم باشد، خوب، قطعا چالش ها و موانع خاص خودش را هم به همراه دارد و شاید کار سخت تر هم بشود.

مثلا چه چالش هایی؟

برای مثال پیدا کردن موضوع مناسب برای عکاسی، مهمترین ارتباط برقرار کردن با سوژه ها و آنکه در نهایت چطور موفق شوید آن موضوع را از زوایه دید خوتان به تصویر بکشید و در تمام این موارد وقتی شما یک مهاجر باشید با سختی بیشتری در کار روبرو می شوید. البته این هم باید اشاره کنم که گاهی هم برعکس، مهاجر بودن برای من باعث امتیاز و راحتی در کارم شده است.



خیلی جالب است، بیشتر توضیح می دهید که چطور؟

چون سوژه های عکاسی من مهاجران افغان بوده اند، اینکه خودم عضوی از یک خانواده مهاجر هستم، به ایجاد اعتماد و ارتباط قوی تر با سوژه کمک کرده و باعث انگیزه دادن به آنها برای همکاری شده است.

می دانیم که از همان دوره تحصیل در مدرسه و به واسطه کار توی یک آتلیه به این شاخه هنری علاقه مند شدید، چه چیزی توی عکاسی وجود داشت که شما را به خودش جذب کرد؟

مهمترین دلیلش علاقه ام به ثبت لحظاتی بود که در خانواده ام و محیط اطرافم رخ می دادند و اگر با چیزی مثل عکس ثبت نمی شدند، شاید برای همیشه از یاد می رفتند.

مستندنگاری از زندگی مهاجران افغان موضوع اصلی عکاسی شما بوده است، چطور سوژه های خودتان را پیدا می کنید؟

اغلب از خویشاوندان و دوستان کمک می گیرم. گاهی نیز در شرایطی که مثلا به کارگاه یا کارخانه ای برای عکاسی مراجعه کرده ام، مدتی را صرف کسب مجوز و معارفه اولیه می کنم و بعد مشغول عکاسی می شوم.

به نظر شما ارتباط برقرار کردن با سوژه ها در عکاسی مستند چقدر حائز اهمیت است؟

ارتباط با سوژه، اولین و شاید مهمترین گام در اجرای سناریویی است که از قبل برای آن پروژه مستند در نظر گرفته شده؛ چرا که نتیجه کار بسیار به نوع و کیفیت این ارتباط بستگی خواهد داشت.

آیا برای عکاسی به داخل افغانستان هم سفر کرده اید؟

بله! خوشبختانه سرزمین پدری و مادریم را که قبلا فقط داستان هایش را می شنیدم، بالاخره در چند نوبت از نزدیک دیدم.

چه تفاوت هایی میان کار یک عکاسی در افغانستان و ایران وجود دارد؟

عکاسی در افغانستان هم چالش های خاص خودش را دارد. هم ناملایمتی بسیار هست و هم مهربانی. ولی در کل مهربانی ها بیشتر به چشم می خورد.

بسیار از عکاسان در دنیا هستند که موضوعات اجتماعی، تحولات سیاسی و یا درگیری های نظامی در افغانستان برای آنها موضوع کاری بوده است و به واسطه همان عکس ها هم به شهرتی جهانی دست پیدا کرده اند، برای نمونه استیو مک کری عکاسی مشهور آمریکایی و یا رضا دقتی عکاسی ایرانی مقیم فرانسه که عکس های زیادی از افغانستان، خصوصا عکس بی نظیری از احمد شاه مسعود ثبت کرده است. آیا تا به حال به این فکر کرده اید که راهی را بروید که چنین عکاسانی در افغانستان قبلا تجربه کرده اند؟

من از همان ابتدا، مسیرم در عکاسی را حول دغدغه ذهنی ام که زندگی مهاجران اهل افغانستان است، مشخص کرده ام و به دنبال

شهرت هم نبوده ام. استیو مک کری که از او نام بردید، اساسا

با نیت عکس گرفتن به این سو و آن سوی دنیا سفر کرده و هر کجا رویدادی تاریخی در حال رخ دادن بوده، سعی کرده همانجا حضور داشته باشد. رضا دقتی هم همواره مناسبات و ارتباطات سیاسی در کنار کار عکاسی اش وجود داشته و در ژانر عکاسی خبری، سابقه درخشانی دارد.

آثار عکاسی شما در چندین نمایشگاه گروهی یا انفرادی به نمایش در آمده است که یکی از مهمترین آنها نمایشگاه انفرادی در تالار وحدت در تهران است. از بازخوردهایی که توسط مخاطبان در این نمایشگاه ها گرفته اید، برایمان بگویید. اول این را بگویم که متاسفانه امروز بیشتر گالری های هنری و نمایشگاه ها با اهداف مالی و تجاری برگزار می شوند و نگاهی که در انتخاب و نمایش آثار است بر همین مبنا صورت می گیرد. این مساله سبب می شود بازخورد قابل ملاحظه ای که برای هنرمند مفید باشد از توی نمایشگاه حاصل نشود. با این وجود نظراتی که از مخاطب در طول نمایش عکس هایم به من رسیده است، چه نظرات تخصصی و چه دیدگاه عامه بازدید کنندگان، برایم مفید بوده و در روند کارم تاثیر مثبت داشته است.

در پایان آیا فکر می کنید آن پیام یا رسالتی که نسبت به مهاجران افغان داشته اید را توانسته اید با کار عکاسی خود منتقل کنید؟

آثار عکاسی من برای هر بیننده ای آشنا به نظر می رسند چرا که لحظاتی از زندگی انسان ها را به تصویر کشیده ام؛ اینکه به دغدغه ذهنی ام در عمل و توسط عکاسی پرداخته ام خودم را راضی کرده است، از طرفی عکس هایم نوعی مستند نگاری اجتماعی و تاریخی در یک سرزمین هستند و از همین جنبه اهمیت پیدا می کنند.



عکاسی در اولین سفر به افغانستان، بامیان - هادی محسنی

تأثیرگذارترین آثار در تاریخ عکاسی جهان

مرگ یک سرباز دموکراسی خواه



این عکس یکی از بحث برانگیزترین عکس های تاریخ عکاسی و شاید مهمترین عکس قرن بیستم قلمداد شود. در سال ۱۹۳۶ روبرت کاپای ۲۲ ساله عازم اسپانیا شد تا جنگی داخلی که در این کشور در جریان بود را گزارش کند. آن روزها چنان درگیری خونی بین وفاداران به جمهوری و نظامیان کودتاچی به رهبری ژنرال فرانکو در اسپانیا بالا گرفته بود که همینگوی آن را "شوری مردمی در راه آزادی و دموکراسی" توصیف کرده است. عکاس جوان مثل همیشه با علاقه ذاتی خود به کاری که می خواست انجام بدهد به هنگ نظامی جمهوری خواهان ملحق شد و همراه آنها خودش را به قلب منطقه عملیاتی رساند. او هم می خواست با پیوستن به صفوف سربازان آزادی خواه، همراهی خودش را با آنها نشان دهد و هم آنچه در آن برهه تاریخی در حال رخ دادن بود را با دوربینش مستند کند؛ آن هم بدون هیچ پرده و واسطه ای.

در خلال یک تهاجم نظامی در منطقه سرو موریانو در حومه کوردوبا بود که کاپا مشهورترین عکس خود را ثبت کرد. عکس او درست لحظه اصابت گلوله به بدن یک آزادی خواه و به خاک افتادن او را نشان می داد. این عکس در ابتدا در بیست و سوم سپتامبر سال ۱۹۳۶ در هفته نامه فرانسوی VU منتشر شد ولی در مدت کوتاهی بعد از آن مجله لایف و دیگر نشریات هم آن را به چاپ رساندند که سرو صدای زیادی به پا کرد. آنقدر به دنبال این عکس جنجال و جنبش پدید آمد که از همان زمان به یکی از شاخص ترین و مهم ترین عکس های قرن بیستم بدل شد. حتی کاپا به صحنه سازی متهم شد ولی یک گروه تحقیق رسمی، هویت این سرباز کشته شده به اسم "فدریکو یورل گارسیا" را تایید کرد و این اتهام زنی ها خاتمه یافت. از آن پس بود که این عکس برای همیشه به نماد و سمبلی غمبار از مبارزه بشر در راه دموکراسی بدل شد.

نقد و بررسی تخصصی یک عکس



به قلم
عباس عربزاده



اما دو فرزندش در کنارش هنوز دست حمایتی مادر را در آغوش خود دارند و این همه ابهت، ویژگی مادر است و بس.

چیدمان در غایت سادگی و هارمونی برای گردش موزن چشم در صحنه است و سه شخصیت اصلی یعنی مادر و دو فرزندش توسط یک مثلث به هم وصل می شوند و چشم بیننده دائم در این حرت مثلثی بین این سه نقطه در حرکت است و آنها را به هم پیوند می دهد، اما در نگاهی پیچیده تر، الگوی ماریچ طلایی هم با شروع از نقطه چشم فرزند کوچکتر که بر پای مادر خوابیده، حرکت می کند و در ادامه، این ماریچ از روی دست مادر بر فرزند کوچک، سپس از روی دست مادر بر بدن دخترک بزرگتر، و بعد از روی صورت و بخصوص چشم دخترک و در انتها از روی صورت و چشم مادر عبور می کند. ماریچ طلایی که بر مبنای دنباله ی فیبوناچی متشکل می شود را شاید عکاس آگاهانه اعمال نکرده باشد و مهم هم نیست که آگاهانه است یا خیر، چرا که وقتی احساسی قدرتمند پادرمیانی می کند و در لحظه چیدمان، هنرمند را راضی از اوضاع می کند؛ حتمن ریشه ای زیباشناسانه و علمی نیز دارد.

عکس با نورپردازی پروانه ای Butterfly Lighting از موضوعی نه دکورسازی یا گریم شده بلکه واقعی، ریشه در رئالیسم دارد و در کنار رومانتیسیسم به اوج شکوه خود می رسد.

اثر مادر از کتیل بورن مرا به عمق دردهای انسان می کشاند و بیش از پیش عشق به مادرم را می افزاید، نه به این دلیل که زن در تصویر سرطان سینه دارد و یکی از مهمترین اعضای زنانه بدنش را از دست داده؛ بلکه به این دلیل که او تا آخرین توانش از فرزندانش حمایت می کند و این مهم را با دستانش که بر سینه دخترانش نشانده است؛ نشان می دهد.

این عکس به غایت در نمایش این همه و بسیار بیشتر از این چند خط که من نگاشتم موفق و پیروز است.

از نظر من هنر عکاس در این عکس متجلی شده است.



عباس عربزاده یکم فروردین ماه ۱۴۰۲

امروزه در جهان روزانه حدود ۹ میلیون عکس گرفته می شود و حدود ۳ میلیون آن در فضای مجازی منتشر می شود. عکاسی به یکی از پرتعدادترین هنرها تبدیل شده و به لطف پیشرفت تکنولوژی و گوشی های همراه هوشمند؛ این مهم در دسترس همگان قرار گرفته است. این بسیار خوب است اما همچنان که قلم و کاغذ در دسترس بسیاری از انسانها هست و آنها هر روز مطالب زیادی می نگارند ولی هنرمند نویسنده بسیار نادر و کمیاب است؛ در مورد عکاسی هم چنین شده که هر روز عکس های زیادی ثبت می شوند اما هنرمند عکاس بسیار اندک است.

به شخصه در وادی هنر عکاسی و توانایی های این قالب از هنر و تفاوتهايش با ساير هنرهای تجسمی؛ معتقدم عکسی پا به وادی هنر می گذارد که در گونه های دیگر هنر نتواند به آن شیوایی بیان شود. بگذارید واضح تر بیان کنم، من معتقدم اگر اثری در یک هنر مثل عکاسی خلق می شود باید چنان انسجامی نسبت به پارامترهای مهم در هنر عکاسی داشته باشد که در هیچ گونه ای دیگر از هنر ننگد، بدان گونه که گاهی نمی توان رسالت و قدرت بیان بسیاری از آثار نقاشی جهان را در هنری دیگر گنجانند و یا برخی آثار سینما را هرگز نمی توان با عکاسی یا موسیقی یا شعر به همان قدرت بیان کرد و این مهم تطابق فرم با قالب اثر و خلاقیت هنرمند و اشرافش را بر آن گونه هنری نمایان می سازد.

عکس "مادر" اثر درخشان و بی بدیل کتیل بورن Ketil Born عکاس نروژی برای من؛ به معنای واقعی کلمه؛ هنر عکاسی و قدرت این هنر را نشان می دهد، احساسی که از این عکس در نگاه اول به بیننده منتقل می شود را هرگز یک متن ادبی یا موسیقی یا نقاشی نمی تواند بیان کند و این نقطه ایست که من برای تعریف مدیوم هنرها ارائه می دهم و می گویم اینجاست که یک گونه ی هنری استقلال خود را به رسمیت می شناساند.

کتیل بورن مادری جوان و زیبا را نشان می دهد که دچار سرطان سینه است و یکی از سینه هایش را نیز از دست داده و در مسیر شیمی درمانی و پرتودرمانی موهای سر و ابروهایش ریخته و بدن رنجور و نحیفش، نشان از دردی دارد که مدتهاست با او همراه است،

نکات عکاسی



جبران نوردهی

شاید شما هم مثل من از آن دست عکاس هایی هستید که همیشه در حالت کاملاً دستی با دوربین کار می کنند. هر چند که کار با Manual mode در دوربین، حداکثر کنترل مورد نیاز را به شما برای تنظیمات می دهد ولی ممکن است که در هنگام عکاسی شرایطی پیش بیاید که استفاده از مدهای دیگر دوربین ضروری شود. برای مثال زمانی که هوا هم ابری و هم میزان باد شدید است و این باعث می شود تا با عبور متناوب ابرها از مقابل خورشید، با تاریکی و روشنی لحظه ای و تغییر مدام شرایط نوری مواجه شویم. یا زمانی که خورشید در حال طلوع یا غروب است و هر چند ثانیه یکبار به طور قابل ملاحظه ای میزان نور دچار تغییر می شود. در چنین شرایطی بسته به موضوع و موقعیت سوژه عکاسی، استفاده از حالت های نیمه اتومات، همچون اولویت دیافراگم یا اولویت دهی به سرعت شاتر می تواند گزینه مناسب تری باشد.

همیشه وقتی بحث به کارکردهای اتومات دوربین رسیده است این را گفته ام که ذات دوربین، ذاتی محاسبه گر و دانش بنیاد است نه ذاتی هنری و خلاق. این بدان معنی است که وقتی شما تنظیمات یا دست کم بخشی از تنظیمات را به دست دوربین می سپارید، پردازشگرهای هوشمند در درون دوربین توسط حسگرهای خود، متعادل ترین نور حاصل از نورسنجی محاسباتی را فراهم می کنند. خوشبختانه سازندگان دوربین های عکاسی فکر اینجای کار را کرده اند و قابلیت به تنظیمات دوربین افزوده اند که "جبران نوردهی" نامیده می شود. شما با استفاده از این ویژگی می توانید مغز پردازشگر دوربین را فریب دهید و نقطه تعادل روشنی یا تاریکی را چند استپ بیشتر یا کمتر معین کنید. با این کار، دوربین محاسبات نورسنجی را بر مبنای نقطه تعادلی که توسط عکاس دستی تنظیم شده، انجام داده و حاصل کار به همان میزان روشن تر یا تاریک تر می شود.

رضا تجویدی

عکاسی، میراث فرهنگی و توسعه گردشگری

به قلم عبدالمهدی همت پور

در عصر حاضر، عکاسی و گردشگری ارتباط چشمگیری با یکدیگر دارند و نقش پررنگ عکاسی در گردشگری غیرقابل چشم پوشی است. امروزه رسانه‌های نوین به گونه‌ای در زندگی بشر درهم تنیده‌اند که هر چند حضور آنها بدیهی به نظر می‌رسد ولی گاهی تأثیرات آنها نادیده گرفته می‌شود. این رسانه‌ها مانند سایر ابزار مشابه، واجد ساختار بیانی خاص خود هستند و براساس این ویژگی‌ها، طیف وسیعی از تغییرات را شامل می‌شوند. این طیف آن قدر گسترده است که عکاسی نیز از آن بی‌بهره نمی‌باشد (اقتداری، ۱۳۹۶).

با پیدایش و رشد عکاسی، نوع نگرش آدمی به جهان و خویشتن تغییر کرده است. عکاسی در طول تحولات خود، بسیاری از کیفیات فرهنگی و اجتماعی را تغییر داده و امروزه به یکی از پایه‌ها و ابزارهای ارتباطی و شکل‌دهی به هویت جمعی تبدیل شده است. رسانه عکاسی با فراگیر شدن و گسترش حوزه تأثیراتش، کارکردهای متفاوتی را به خود گرفته و به تبع آن، ژانرهای متفاوتی در آن پدید آمده است (عربی، ۱۳۹۲: ۱۱) یکی از ژانرهای عکاسی درچیزی بروز یافته است که با عنوان "عکاسی گردشگری و سفر" شناخته می‌شود.

در سال‌های اخیر صنعت گردشگری با رشد روزافزون و فضایی پویا و رقابتی روبه‌رو بوده است. مقاصد گردشگری به دنبال کشف راه‌های خلاق و نوین برای جذب گردشگران هستند تا با استفاده از تمام پتانسیل‌های خود، بیشترین بهره را از این صنعت پاک حاصل کنند. باقی ماندن در دنیای پویا و رقابتی گردشگری نیاز مبرم به ارائه خدمات به گردشگران براساس مطالعه رفتار، انگیزه سفر و نیازهای آنها دارد (کاظمی، ۱۳۹۵: ۲) شوق و انگیزه سفر و گردش و کسب تجارب جدید و آشنایی با شرایط فرهنگی، اجتماعی، جغرافیایی و آب و هوایی جوامع دیگر، میلی پویا در بشر است که موجب رونق صنعت گردشگری شده است. یکی از شاخه‌های همواره جذاب این صنعت، سفرهای فرهنگی می‌باشد. طبق آمار سازمان جهانی گردشگری، ۷۳ درصد گردشگری بین المللی با انگیزه فرهنگی است؛ که این فرآیند رو به افزایش می‌باشد (کاظمی، ۱۳۹۵: ۳)

عکاسی رابطه‌ای مستقیم با دنیا دارد چرا که عکس‌ها بی واسطه تصاویر برگرفته از جهان را به نمایش می‌گذارند (رهنما، ۱۳۹۰). عکاسی، حضوری همیشگی در گردشگری دارد. هرچا اثری از گردشگران چه به صورت انفرادی و چه در قالب تورهای گروهی است، دوربین‌های عکاسی و فیلمبرداری هم وجود دارند. عکس‌های گرفته شده از مقاصد گردشگری را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: اول تصاویری که توسط خود گردشگران از روند سفرشان گرفته می‌شود و دوم تصاویری است که باهدف تبلیغ گردشگری از یک مقصد خاص توسط آژانس‌های مسافرتی، گروههای گردشگری، سازمان‌ها و نهادهای مختلف و فعال در این راستا، تهیه می‌شود.

"در دنیای امروز گاهی می‌شود بدون سفر کردن هم سفر کرد."

آنچه به کرار به عنوان علت رواج عکاسی در گردشگری ذکر می‌شود، این است که گردشگران می‌خواهند یک یادگاری و یا مدرک از سفرشان داشته باشند. بنابراین همان‌طور که سوغاتی تهیه می‌کنند، عکس هم می‌گیرند. این عکسها نشان می‌دهد که آنها در آن مکان خاص حضور داشته‌اند و این امر موجب فراوانی باسمةای عکس‌های گرفته شده توسط افرادی است که گاهی می‌بینیم در مقابل یک اثر تاریخی معروف ایستاده‌اند و عکاسی ناشی به نظر می‌آیند. اغلب این عکس‌ها در خانه به صورت نمایش اسلاید و یا اگر به صورت چاپی باشند درون یک آلبوم گردآوری می‌شوند. به استثنای اندک عکاسان حرفه‌ای، عکس‌های گرفته شده در خلال یک تور، معمولاً مخاطبان محدودی دارند که شامل خود گردشگران، خانواده و دوستان نزدیک‌شان می‌شود.

در فضای مجازی هر روز شاهد خیل گسترده‌ی تصاویری از زیباترین و معروف‌ترین جاذبه‌های گردشگری جهان هستیم. در دنیای امروز حتی گاهی بدون سفر کردن هم می‌شود سفر کرد؛ کافی است سری به فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی همچون اینستاگرام بزنید تا زیباترین و متفاوت‌ترین انواع سفرهای تصویری را تجربه کنید.

امروزه مردم به شکلی متفاوت تجربیات و خاطرات خود را جاودانه کرده و حتی آن را با افراد دیگر در اقصی نقاط جهان به اشتراک می‌گذارند. اما در این میان یک مشکل یا یک ویژگی خاص وجود دارد. بیشتر افراد در سفر به یک نقطه‌ی به‌خصوص، یک بنای تاریخی و یک مقصد گردشگری معروف، به سراغ ثبت همان چشم‌اندازهایی می‌روند که بسیاری دیگر نیز همان را پیشتر ثبت کرده‌اند. به همین علت اغلب شاهد تصاویری تکراری از بناهای دیدنی و معروف جهان هستیم. البته امروزه فضای مجازی در انتشار همین عکس‌های ناشیانه بسیار تأثیرگذار می‌باشد. اما گاهی رویدادها دست به دست هم می‌دهند تا شاهد تولد ایده‌ای نو باشیم و این بار هم نوبت دنیای عکاسی از چشم‌اندازهای گردشگری است.

سفر و گردشگری از نظر اشتغال، بزرگترین صنعت جهان است (پیران، ۱۳۷۱: ۶) گردشگری به عنوان یکی از مصادیق هنر - صنعت در جهان بسیار مورد توجه است، زیرا از یک طرف می‌تواند مستقیم یا غیرمستقیم بر صنعت یک کشور تأثیر بگذارد و از طرف دیگر عاملی است جهت پاسداشت، حفظ و ترویج هنر در آن کشور؛ همچنین از گردشگری به عنوان کاتالیزوری کارآمد برای بازسازی و توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورهایی یاد می‌شود که طی سال‌های اخیر برای رفع چالش‌های اجتماعی و اقتصادی و جبران کاهش فعالیت‌های تولیدی و صنعتی، به کمک صنعت گردشگری، گامی مثبت در جهت اشتغال نیروی انسانی و ایجاد فرصت‌های شغلی و افزایش درآمد برداشته‌اند (عرب، ۱۳۹۷: ۵۹) میل به سفر و گردش و آشنایی با شرایط فرهنگی، اجتماعی، جغرافیایی و آب و هوایی میلی زنده و پویا در نوع بشر است. گردشگری به عنوان یکی از تبادلات فرهنگی در جامعه حائز اهمیت است. امروزه صنعت توریسم یکی از مهم‌ترین و پردرآمدترین صنایع جهان است (دیبایی، ۱۳۷۱: ۶) و نسبت به گذشته متنوع‌تر و پیچیده‌تر شده است. توریسم بزرگترین صنعت جهان برمبنای اشتغال و تجارت است؛ در نتیجه گسترش صنعت گردشگری، گسترش اقتصاد و تعامل انسانی است (محمدزاده و حیدری، ۱۳۹۱: ۶)

به محض ظهور عکاسی، عکاسی سفر نیز ظهور کرد. در واقع، ظهور گردشگری انبوه و عکاسی مرهون وجود یکدیگرند (فربودی جهرمی، ۱۳۹۱: ۲) پیدایش دو پدیده عکاسی و گردشگری انبوه تقریباً در یک زمان صورت گرفته است. در جهان امروز، گردشگری شامل فعالیت‌های نسبتاً پیچیده‌ای است که در مقصدهای مختلف صورت می‌پذیرد، یکی از رایج‌ترین این فعالیت‌ها تجربه عکاسی حین سفر است (فربودی جهرمی، ۱۳۹۱: ۶) در گردشگری به ویژه گردشگری معاصر، عکس گرفتن یکی از اجزای اصلی سفر می‌باشد. به بیان دیگر این دو، ذاتاً با هم در ارتباطند (فربودی جهرمی، ۱۳۹۱: ۸) در عصر حاضر، عکاسی و گردشگری آنچنان با یکدیگر ادغام شده‌اند که دوربین، نشانه هویت گردشگر می‌باشد. نه تنها داشتن دوربین نشانه‌ای بر گردشگر بودن فرد است، بلکه ابزاری است که از طریق آن فرد در

جستجوی تعیین حداقل یک بخش از هویت خویش است (فربودی جهرمی، ۱۳۹۱). بدین ترتیب نقش پررنگ عکاسی در گردشگری غیرقابل چشم‌پوشی است و مطالعه ارتباط بین این دو مقوله از زوایای مختلف، کمک شایانی در راستای برنامه‌ریزی و بازاریابی گردشگری خواهد بود (فربودی جهرمی، ۱۳۹۱: ۳). تصاویری که گرفته میشوند، دو دسته‌اند: اول تصاویری که توسط خود مسافر یا گردشگر گرفته می‌شود. در واقع یکی از مسائل جانبی گردشگری امروز، بازتاب تجارب مسافران در شبکه‌های اجتماعی است که با ثبت تصاویر، رنگ و بویی دیگر به خود گرفته است. دوم تصاویری که توسط موسسات و سازمان‌ها باهدف معرفی اماکن و مقاصد گردشگری به عکاسان سفارش داده می‌شود. افراد حقیقی و حقوقی، آژانس‌های مسافرتی و گردشگری و حتی در حوزه کلان‌تر، دولت‌ها از رسانه عکاسی برای معرفی مقاصد گردشگری، جذب توریست و نهایتاً کمک به توسعه صنعت گردشگری استفاده می‌کنند و این می‌تواند باعث جذب بیشتر سرمایه برای کشور شود و همچنین مقوله ای ارز آور است.

درخصوص تجاری سازی عکاسی در گردشگری باید اذعان داشت "فرانسیس فریت" شرکتی سودآور تأسیس کرد که عکس‌هایی از گوشه و کنار جهان برای فروش عرضه می‌کرد که تا آن موقع تنها از دید هنرمندان یا توصیف‌های خیالی مسافران تجسم می‌شد. او از سال ۱۸۵۶ میلادی، سه هیئت اعزامی به مهد ادیان تورات و انجیل در خاورمیانه فرستاد و مجله‌ی تایمز عکسهای حاصل از این سفرها را مهم‌ترین آثاری که تاکنون منتشر کرده است نام نهاد. عکاسانی که او فرستاده بود به سراسر جزایر بریتانیا سفر کردند و موسسه‌ی تجاری او در اوج کار خود ادعا کرد که یک میلیون عکس در اختیار دارد که شامل عکس‌هایی از شهرها و مناطق زیبا در بریتانیا بود. در آخرین سال‌های سده‌ی نوزدهم، تصاویری از چهارگوشه‌ی جهان به شکل عکس، اسلاید و تصاویر استریوسکوپی منتشر شدند که به دلیل بعد مسافت و شگفت‌انگیز بودن آن مکان‌ها و یا دشواری‌هایی که در راه رسیدن به آنها تجربه شده بود، بیننده را تحت تأثیر قرار می‌دادند. با پیدایش عکاسی، معضلات جدیدی در تولید امر غریب پدید آمد. در عکس‌های غیربومی، در مورد امر غریب و بیگانگان مبالغه می‌شد، اما درعوض، شیوه‌ای برای نمایش چیزهای جالب توجه و امور سنتی باب شد که می‌توان آن را سرچشمه‌ی صنعت میراث فرهنگی تلقی کرد و در آن تصویرپردازی با نوستالژی‌هایی که خود عکاسی علت آن بود، راه خود را باز کرده و پیشاپیش، هر میراث در حال محو شدنی را به تصرف خویش درآورده است. گروه‌هایی همچون انجمن عکاسی از یادگارهای قدیمی در شکل‌گیری آرشیوی از میراث گذشته سهیم بودند، آرشیوی که خود بخشی از یک چشم‌انداز توریستی از جهان شد. اوضاع به گونه‌ای پیش می‌رفت که مسافران اهل هنر، طبقه متوسط مدعی ای بودند که با اشتراک گذاری چشم‌اندازهای کشف شده خود، راه تخریب و ویرانی آنها را به واسطه هجوم سایر بازدیدکنندگان هموار کردند. اما با شروع سده‌ی بیستم، نسل جدید توریست‌ها با دوربین‌هایشان به جست‌وجوی چیزهای تماشایی و زیبایی رفتند که تا آن زمان تنها در کارت پستال‌ها و سفرنامه‌ها دیده بودند. آنها در ابتدا با قطار یا دوجرخه سفر می‌کردند، اما از اوایل دهه‌ی ۱۹۲۰ میلادی دیگر با اتومبیل شخصی به سفر می‌رفتند (ولز، ۱۳۹۲: ۱۵۳-۱۵۵). عکاسی با ورود دوربین‌های کدک که امکان عکس گرفتن از وقایع روزمره و سفرها را برای آماتورها فراهم می‌کرد، پیشرفت قابل ملاحظه‌ای نمود (فربودی جهرمی، ۱۳۹۱: ۲۱). در ایالات متحده آمریکا، کمپانی کدک که در امر تبلیغات خبره بود، با استفاده از علائم جاده‌ای و با مضمون عکس بگیر و برو، کدک یادت نره، خبر از مناظر دیدنی در آن نزدیکی‌ها می‌داد (ولز، ۱۳۹۲: ۱۵۳). شرکت کدک در ورودی بسیاری از شهرها تابلوهایی نصب کرده بود که فهرست مکان‌ها و چیزهایی را که باید از آنها عکس گرفته می‌شد، نشان می‌داد. حتی علائمی در پارک‌های ملی نصب شده بود که به بازدیدکنندگان می‌گفت در کدام نقطه بایستند و عکس بگیرند (سونتاگ، ۱۳۹۶: ۱۷۸).

به عبارت دیگر اهمیت زیاد عکس‌ها به دلیل آشکارسازی موضوعاتی چون چگونه دیدن و تفسیر کردن جهان، مردم و مکان‌ها و چگونه تصور نمودن مفاهیم و ارتباطات موجود در آن است.

با هرگروه جدیدی از بازدیدکنندگان، امکان دستیابی به منظری کشف نشده و بکر ناممکن‌تر می‌شد. صنعت میراث فرهنگی و توریسم ساختمان‌های قدیمی را بازسازی کرده بودند و دستی به سر و روی چشم‌اندازهای خوش‌نما کشیده بودند تا فرصت‌های مناسب و حاضر و آماده‌ای برای عکس گرفتن به‌وجود آید. عکس گرفتن بخش جدایی‌ناپذیر از تجربه‌ی جهانگردان است و مکان‌های جالب بخش عمده‌ای از آلبوم مسافران معمولی و بی‌ادعا را نیز به خود اختصاص می‌دهند (ولز، ۱۳۹۲: ۱۵۳). عکاسی، تحسین آنچه که از آن عکس گرفته می‌شود، حس آن به نظر مانند کسب دانش و قدرت است. عکس‌ها برای ما امکان زنده کردن لحظات خوب و شخصی کردن تجربه‌ها را فراهم می‌کنند. آن‌ها مدرکی دال بر حضور ما در مکانی مشخص هستند، ولی مهم‌تر از آن ابزاری برای برقراری ارتباط و تأیید اهمیت ما برای دیگران به‌شمار می‌آیند. به عبارت دیگر اهمیت زیاد عکس‌ها به دلیل آشکارسازی موضوعاتی چون چگونه دیدن و تفسیر کردن جهان، مردم و مکان‌ها و چگونه تصور نمودن مفاهیم و ارتباطات موجود در آن است. در اکثر مواقع کسانی که در سفر و تفریح هستند، دوربین به همراه دارند زیرا عکاسی منبعی برای سرگرمی و کسب لذت است (فربودی جهرمی، ۱۳۹۱: ۱۶).

در ادبیات گردشگری، تعداد معدودی از محققین به بحث در خصوص ارتباط بین عکاسی و سفر پرداخته‌اند. چالفن، عکس را مدرکی دال بر تجربه سفر - شکلی از زندگی غیربومی و جذاب معرفی کرده است و در مطالعه خود به ارتباط بین عکاسی و نوع گردشگر از طریق محتوای عکس‌ها پرداخته است. "اوری" سفر را راهبردی برای گردآوری عکس می‌داند. کوهن و همکاران، در پژوهش خود از طریق عکس - های گردشگران به بررسی تعامل بین گردشگران و مردم بومی پرداخته‌اند. آزرین، از عکاسی و گردشگری به‌عنوان متاسیستم‌هایی نام برده که امکان تبدیل تجربه را به آنچه که قابل تأمل است، می‌دهد. (فربودی جهرمی، ۱۳۹۱: ۷۱)

عکاسی نقش مهمی در تجربه گردشگری ایفا می‌کند. هورن معتقد است که دوربین بیشتر مناظری را که ما به عنوان گردشگر انتظار دیدن آنها را داریم، خلق می‌کند و یکی از تشریفات گردشگری بازدید از مناظری است که توسط عکاسان حرفه‌ای تعریف می‌شود. همچنین عکاسی از مناظری که قبلاً از آنها عکاسی شده در کنار همراهان از موارد قابل توجه است. آلبرس و جیمز اعتقاد دارند که رضایت گردشگران تا حدی به فرصت‌هایی که برای آنها جهت عکاسی از جاذبه‌های معرفی شده در بروشورها، تبلیغات و کارت پستال‌ها فراهم می‌شود، بستگی دارد. کنیون می‌گوید تا دهه‌های ۸۰ و ۹۰ میلادی بسیاری از توره‌ای درون شهری در نزدیکی جاذبه‌هایی که گردشگران می‌توانستند از آنجا عکس بگیرند، توقف داشتند (فربودی جهرمی، ۱۳۹۱: ۷۲). کاملاً غیرعادی به نظر می‌رسد که کسی برای تفریح سفر کند و دوربینی به همراه نداشته باشد. عکس‌ها، گواه غیرقابل انکاری هستند برای نشان دادن اینکه سفر انجام شده، برنامه دنبال شده و لذت آن برده شده است. عکس‌های توریست‌ها تجربه بر ساخته و کالایی شده‌ی سفر را تحکیم می‌بخشد؛ عکس‌ها زنجیره مصرفی را که بیرون از تیررس نگاه خانواده، دوستان و همسایگان قرار داشته، مستند می‌کنند. عکاسی راهی برای مجوز بخشیدن به تجربه است، در عین حال راهی برای امتناع از آن نیز است؛ و این کار را با محدود ساختن تجربه به جستجو برای موضوعات خوش عکس و تبدیل تجربه به یک تصویر، یک یادگاری، انجام می‌دهد. بدین ترتیب، سفر به راهبردی برای جمع‌آوری عکس تبدیل می‌شود. غالب گردشگران احساس ضرورت می‌کنند که دوربین را واسطه خودشان بر هر چیز چشمگیری که با آن روبرو می‌شوند، قرار دهند. این کار به تجربه آنها در سفر شکل می‌بخشد: بایست، عکس بگیر و بعد به مسیرت ادامه بده (فربودی جهرمی، ۱۳۹۱: ۲).

زبان کتابچه‌های راهنمای توریسم بر شیوه‌ی عکاسی خود توریست‌ها تأثیر گذاشته است (ولز، ۱۳۹۲: ۲۸۵). غالباً توریست‌ها با همان ترکیب‌بندی و زاویه‌ای که عکس آن منطقه توریستی، ابنیه‌ی معماری و غیره را در کتابچه‌های راهنما، فضای مجازی، پوسترها و غیره دیده‌اند عکاسی می‌کنند.

در بروشورها، بلیوردها و وبسایت‌ها مقاصد گردشگری بسیار زیبا به تصویر کشیده می‌شود. زیبایی که در عکس‌ها است به جذب گردشگر کمک می‌کند تا گردشگران به آنجا سفر کرده و از آن مقاصد دیدن کنند. در روش مشابه توریست‌ها هم از عکاسی برای اینکه نشان دهند تعطیلات و وقت خود را کجا گذرانده‌اند استفاده می‌کنند. این روش حاکی از تأثیر عکس‌ها در گردشگری است. همچنین بازاریاب‌ها سرمایه‌گذاری‌های بزرگی انجام می‌دهند و از ابزارهای محرک بصری استفاده می‌کنند. مانند استفاده از رنگ‌های گرم یا سرد برای انتقال حس حضور در مقاصد گردشگری (کیوناپرت، ۲۰۱۷). عکاسی ثبت خاطرات خوب درباره‌ی مقصدهای سفر، تجربه‌ها و بازخورد سفر از طریق عکس است. عکس گرفتن بخشی از فعالیت‌های توریست‌ها است که ریشه‌ی عمیقی در تجربه‌های آنها داشته است. هنگام سفر کردن بیشتر گردشگران هم از مقصد عکس می‌گیرند و هم عکس‌ها و تجربه‌های سفرشان را با بقیه به اشتراک می‌گذارند. در همین راستا برای جذب توریست‌ها از طریق عکس‌هایی که در بروشورها و کارت پستال‌ها است، مقصدهای گردشگری معرفی می‌شود. در نتیجه یک رابطه درونی بین عکاسی و گردشگری به وجود می‌آید. بسیاری از گردشگران از عکس‌هایی که در بروشورها، بلیوردها و وبسایت‌ها است برای انتشار مکان عکس‌هایشان و جذب توریست‌ها تا به مقصدهایشان برسند، استفاده می‌کنند. در همین راستا گردشگران همچنین از عکس‌ها و تصاویر، به عنوان ابزار تعیین کننده برای اینکه تصمیم بگیرند کدام مقصد گردشگری را برای سفر انتخاب کنند نیز استفاده می‌کنند. علاوه بر این به گفته برجر و همکارانش، از عکس‌های شخصی شده برای به یاد آوردن خاطرات خصوصی و تجربه‌هایی از مکان‌هایی که سفر کردند استفاده می‌شود. عکس‌ها همچنین تنوع چشم‌اندازهایی که توریست‌ها از عکس‌های مقصد دارند و می‌تواند به عنوان یک تجربه‌ی خاص بصری از هر شخصی دیده شود، مصور می‌کنند. برخی عکس‌ها همچنین زیبایی و یگانگی مقصدها را (مانند عکس‌های ساحلی) ثبت می‌کنند این عکس‌ها وقتی با نشانه‌ها و موقعیت‌های جغرافیایی جاگذاری شوند می‌توانند به عنوان پایگاه اطلاعات بصری برای اطلاع و پیشنهاد یک مقصد گردشگری به توریست‌ها استفاده شوند (کیوناپرت، ۲۰۱۷: ۸-۹) در نهایت باید اشاره داشت رسانه عکاسی در توسعه گردشگری پنج دستاورد مهم به همراه دارد:

۱-دستاورد اقتصادی: معرفی انواع شاخه‌های گردشگری با استفاده از قابلیت‌های تبلیغاتی رسانه عکاسی و ایجاد اشتغال پایدار برای

جامعه میزبان و گردشگران و تقویت درآمدهای پایدار برای دولت‌ها و تقویت ارزش پول ملی.

۲-دستاورد علمی: ایجاد بستر مناسب برای پژوهش تاریخی، فرهنگی، زیست محیطی و غیره در حوزه گردشگری.

۳-دستاورد فرهنگی: آشنایی اقوام و جوامع مختلف در بسترهای فرهنگی بومی و ملی با تکیه بر علوم مردم‌شناسی

۴-دستاورد سیاسی: ایجاد شکل جدیدی از ارتباط در حوزه دیپلماسی فرهنگی با نسبت زیبایی‌شناسی و سیاست.

۵-دستاورد اجتماعی: ایجاد امنیت روانی به واسطه ایجاد اشتغال پایدار برای افراد جامعه در خلال ایجاد آرامش روحی به واسطه بسط

الگوهای زیبایی‌شناسیک در جامعه (قاسم، ۱۳۹۵: ۵)

درباره نویسنده متن، عبدالمهدی همت پور: او پژوهشگر دکتری باستان شناسی دوران اسلامی پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری و فارغ التحصیل کارشناسی ارشد ایران‌شناسی است. دارای سابقه تحصیل در مهندسی معماری است و هم اکنون مدیریت پایگاه میراث ملی محوطه باستانی ری را عهده دار است.





ریموت شاتر تایمر دار

بسیاری از دوربین های امروزی احتمالا این ابزار کاربردی را در خود همراه دارند ولی استفاده از آن به عنوان یک ابزار جانبی برای عکاسی، زمانی ممکن است که مشخصات آن با دوربین شما، همخوان و سازگار باشد. این تجهیز می تواند به عکاس این امکان را بدهد که در فواصل زمانی تکرار شونده، چه کوتاه در حد ثانیه و چه بلند در حد ساعت و بدون نیاز به فشردن شاتر، به بطور خودکار و متوالی عکس بگیرد. در اصل فرق مهم آن با تایمر معمولی در دوربین، توالی عکاسی در فواصل زمانی مشخص بصورت خودکار است. این قابلیت بیشتر در ژانری از عکاسی که تایم لپس خوانده می شود، بکار می آید ولی می تواند در موقعیت های دیگری همچون عکاسی سلفی، باعث ایجاد روش هایی بسیار خلاقانه ای شود.

مرور عکس های قدیمی



عکسی از زنان حرم گرفته شده توسط ناصرالدین شاه و دست خط او در کنار عکس



عکس پرتره از رئیس علی دلواری نفر سمت راست در کنار صولت الدوله قشقایی



تهران ۱۳۴۶ محدوده خیابان لاله زار

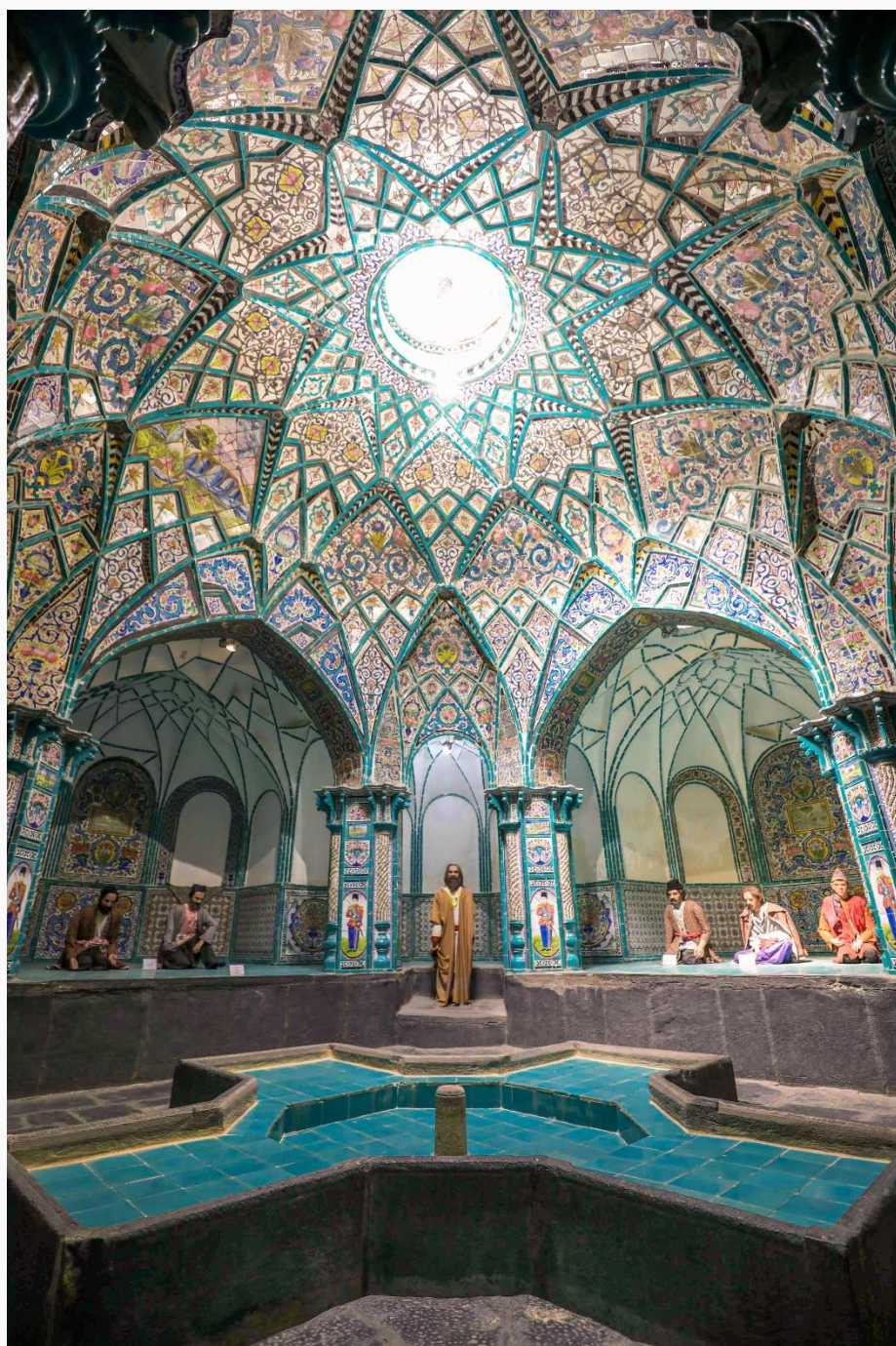


تهران، خیابان استامبول سال 1328



مدرسه آرامنه در شهر اهواز - دهه 50 خورشیدی

عکس های ارسالی مخاطبان ماهنامه



این عکس توسط خانم سوگل غفاریان یکی از مخاطبان ماهنامه انسل برای ما ارسال شده است. در توضیح عکس آمده که مکان این عکس، حمام چهارفصل از جمله بناهای تاریخی شهر اراک و مربوط به اواخر دوره قاجاریه است. در اصل بخاطر وجود نقاشی های دیواری در این حمام که هر کدام فصلی از سال را نشان می دهد، به حمام چهارفصل معروف است. خانم غفاریان در مهره ماه ۱۴۰۱ از این بنا عکاسی کرده و درباره آن می گوید که در ابتدا چنان محو تماشای نقاشی های دیواری و معماری زیبای این بنا شده بودم که پاک از یادم رفت که قصدم از آمدن به آنجا، عکاسی هم بوده است....



شما نیز می توانید عکس هایی از خود را که فکر می کنید داستانی در دل آنها نهفته است برای ما ارسال کنید تا در بخش عکس پس از مرور در شماره های آینده منتشر شود. یکی از راه های پیشنهادی برای ارسال عکس این است که عکس خود را با [#anselmagazine](#) در صفحه اینستاگرام خود آپلود کنید و مجله انسل را تگ کنید. راه دیگر پیام مستقیم و یا ارسال ایمیل به ماهنامه است. در صورت ارسال عکس، بهتر است عنوان و یک متن توضیحی همراه عکس باشد.



فراخوان مقاله:

برخی معتقدند که آنچه از آن به عنوان مدرنیته یاد می شود، یک نوع فرهنگ ساختگی و مهاجم است که اصالت ها، ریشه ها و بنیادهای جوامع را نشانه می رود و با ویرانی سنت های باقی و جاری، اهدافی سلطه جو را بر انسان ها حاکم می کند. در مقابل برخی معتقدند که مدرنیته، فرآیندی طبیعی ناشی از وجود پدیده های جدید در جهان و تلاش انسان برای بهره مندی از این دستاوردها و سازگاری بهتر با واقعیت های زمانه است.

دسته سومی هم هستند که به دنبال نوعی مصالحه و انطباق سنت و مدرنیته هستند، آنها هم دل در سنتی که چون میراث به آنها رسیده دارند و هم تمایل دارند از مزایای یا راهکارهای آنچه مدرنیته خوانده می شود، بهره مند باشند.

بحث خانه و محل سکونت را به عنوان مثال می شود طرح کرد. بطور سنتی زمانی خانه ها همه ویلایی و اغلب دارای حیاط بزرگ و اتاق های بسیار بود، بگونه ای که فرزندان خانواده، در صورت ازدواج می توانستند در یکی از همان اتاق ها زندگی مشترک خود را آغاز کنند. به مرور با صنعتی شدن شهرها که در عصر جدید رخ می داد و بحث اشتغال و مهاجرت های بزرگ، آپارتمان نشینی، به عنوان یک نوع راهکار ناشی از افزایش شدید جمعیت و نبود فضا و مکان کافی برای سکونت به پدیده ای مدرن و فراگیر در زندگی انسان بدل شد. حال بسط هر سه دیدگاه بالا برای این مثال امکان پذیر است.

شما به عنوان یک هنرمند و عکاس، از چه منظری به این سه دیدگاه بطور کلی نگاه می کنید و به نظر شما چگونه می توانید، دیدگاه خودش را در این باره با عکس هایش بیان و مفهوم را به درستی منتقل کند؟ و نیز، چه فرم موجودی در هنر عکاسی را برای بیان این مفاهیم مناسب تر می بینید و یا مهمتر از آن، چه فرم یا سبک جدیدی را برای آن می توانید ابداع و پیشنهاد کنید؟

شما می توانید نظر و دیدگاه و ساختارهای پیشنهادی را در قالب مقاله تنظیم و برای ما ارسال کنید تا در شماره های آینده منتشر شود. این مساله بسیار مهم را مورد توجه قرار دهیم که همواره جنبش های هنری از دل مناظره های فکری و نظری بیرون آمده اند...

داستان یک عکس

Don't Prove Yourself Everywhere!!



This speed race wanted to know the fastest, the dogs or the cheetah. But the cheetah did not move a finger and sat in place. People asked the race coordinator what happened. He responded after seeing him saying:

“Sometimes trying to PROVE that you are the best is an INSULT!”

این عکس یک مسابقه دو سرعت بین سگ ها را به نشان می دهد که قرار بوده یوزپلنگی هم در آن شرکت داشته باشد ولی با کمال تعجب دیده می شود که این یوزپلنگ انگیزه ای برای شرکت در این رقابت در خود نمی بیند و حتی از جای خودش بلند هم نشده است. این عکس نکته ای را به ما گوشزد می کند که نیاز نیست همیشه در هر شرایطی و در هر موقعیتی تلاش کنیم تا خودمان را به دیگران اثبات کنیم.



Anselmagazine

عضویت برای دریافت مجله در پست الکترونیک

نام:

نام خانوادگی:

زمینه تخصصی هنری یا گرایش عکاسی:

پست الکترونیک:

ارسال شود به:

info@anselmagazine.com





ماهنامه تخصصی هنر عکاسی انسل، شماره دوم، فروردین ۱۴۰۲



Anselmagazine



06 04 2023 01 02